بسم الله الرحمن الرحیم

فهرست مطالب:

[نکاتی در مورد شخصیت زرارة 2](#_Toc427980280)

[وثاقت زراره 2](#_Toc427980281)

[روایات در مورد زراره 2](#_Toc427980282)

[1.روایات مداحه زراره 3](#_Toc427980283)

[2.روایات ذامه 3](#_Toc427980284)

[طایفه اول 3](#_Toc427980285)

[طایفه دوم 4](#_Toc427980286)

[طایفه سوم 4](#_Toc427980287)

[3.روایات دسته سوم 4](#_Toc427980288)

[راه‌های رد تعارض روایات در مورد زرارة 5](#_Toc427980289)

# نکاتی در مورد شخصیت زرارة

روایت اول به‌عنوان طایفه ممانعه مورد حساب شده است.

چون در این روایت به بحث زرارة رسیدیم، حاشیه‌ای به وثاقت زراره می‌زنیم.

زرارة از خاندان جدید الاسلام بودند. اسم وی زرارة بن اعین بن سنسن شیبانی کوفی است. خانواده زرارة یک خانواده اروپایی هستند. اعین، پدر زرارة رومی بود. ایشان به اسارت در آمد و به کوفه منتقل شد. البته این خانواده یک خانواده علمی است. جد وی سنسن، کشیش و راهبه بوده است.

زراره مدتی در زندان بود. وقتی آزاد شد، مسلمان شد. این‌که انتهای اسم وی، شیبانی کوفی آمده است به خاطر نسبت ولا است. کسی که از زندان آزاد می‌شد به قبیله‌ای که در آنجا بوده است منصوب می‌شده است. زراره هم خوش منظور و خوش‌سیرت بوده است.

در تاریخ آمده است که وقتی روز جمعه، زراره برای نماز جمعه، لباس تمیز می‌پوشید، جماعتی به انتظار می‌ایستادند تا وی را نگاه کنند.

زراره، چهار برادر دیگر نیز دارد. هر یک از این چهار برادر از روات معروف و مشهور شدند. هرکدام از این برادران فرزندانی داشتند که حتی فرزندانشان نیز از روات و محدثین هستند. البته برجسته‌ترین شخص این خاندان، زراره است. زراره یک شم اجتهادی بالا داشته است.

نکته دیگر این است که اعین پدر زراره و خود زراره ابتدا عامه بوده‌اند ولی بعد زراره استبصار پیدا می‌کند و شیعه می‌شود.

## وثاقت زراره

در کتب رجالی وقتی نگاه می‌اندازیم می‌بینیم که در رجال نجاشی، وی را توثیق کرده است و او را از بزرگان به شمار آورده است.

شیخ نیز چنین گفته است. زرارة از اصحاب امام محمدباقر و امام صادق (علیهماالسلام) بوده است.

در رجال کشی، روایات ذامه او را بیان کرده است.

## روایات در مورد زراره

دو طایفه روایات در مورد زراره وجود دارد:

### 1. روایات مداحه زراره

روایاتی که زراره را مدح می‌کنند. مدح‌هایی که بسیار بالا و فوق‌العاده است. بالای سی روایت در مدح زراره موجود است. بین این روایات مادحه، روایات معتبری وجود دارد.

نمونه‌هایی از روایات

1. در روایتی می‌گوید این چهار نفر، زراره، محمد بن مسلم، برید، هشام (احتمالاً) از اعلام دین هستند. اگر اینان نبودند آثار دین حذف می‌شد. در این روایت تعبیر اوتاد دارد.

2. در روایتی امام صادق (ع) می‌فرماید: اگر زرارة نبود آثار پدر من حذف می‌شد.

اگر نگوییم این روایات تواتر ندارد، در حد مستفیض وجود دارد. در توثیق ایشان اتفاق موجود است. حتی عامه نیز ایشان را از بزرگان خاصه به شمار می‌آورند. زراره از اجلای رجال است. وثاقت زرارة در حد بسیار بالایی است. زراره در سند هزاران روایت آمده است.

### 2. روایات ذامه

این روایات ذامه نیز بالای بیست روایت است. طایفه دوم چند بخش است.

#### طایفه اول

یک دسته از این روایت اشاره به قصه امامت امام موسی بن جعفر (ع) است. داستان به این شکل است که امام صادق (ع) وقتی از دنیا رفتند، زراره مریض بود. وقتی در مورد امام موسی کاظم (ع) از ایشان سؤال می‌کردند، وی ابراز تردید می‌کرده است. وی فرزندش را فرستاد و اختلافی بین عبدالله و امام موسی کاظم (ع) پیدا شده بود. وی کسی را فرستاد تا مطمئن بشود. زراره تا زمانی که عبدالله برگشت، از دنیا رفته بود. این روایات از لحاظ دلالت محل خدشه است.

البته باید گفت این روایات به دو وجه دلالت بر ذم وی نمی‌کند.

1. وجه اول این است که مانعی وجود ندارد که کسی برای تردید، پرس‌وجو کند. زرارة قاعدتاً ایمان اجمالی داشته است. وی عنادی نداشته است. کسانی که در دوران قبل از غیبت از دنیا رفته‌اند، شیعه به حساب می‌آیند زیرا ایشان می‌گویند ما معتقد به آنچه هستیم که اولیاء طاهرین ما می‌گویند.

2. وجه دوم این است که قصه از باب تقیه بوده است و الا شخصیتی مثل زرارة که با امام صادق (ع) این همه مأنوس بوده است، بعید است که نداند پس از او چه کسی امام می‌شود. این احتمال دوم، اظهر و اقوی است.

بعضی نیز در اصل این قضیه تردید دارند. زیرا بعضی می‌گویند امام صادق (ع) در سنه 148 به شهادت رسیدند و زرارة در سال 150 فوت کرده‌اند.

#### طایفه دوم

در این روایات لعن زرارة است. احتمالاً تمام این روایات از لحاظ سند ضعیف است.

#### طایفه سوم

این دسته دلالت تامی ندارند. یکی از آن روایت همین روایت اول است.

**«مُحَمَّدُ بْنُ یعْقُوبَ عَنْ عَلِی بْنِ إِبْرَاهِیمَ عَنْ أَبِیهِ عَنِ ابْنِ أَبِی عُمَیرٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ وَ مُحَمَّدِ بْنِ حُمْرَانَ عَنِ الْوَلِیدِ بْنِ صَبِیحٍ قَالَ: دَخَلْتُ عَلَی أَبِی عَبْدِ اللَّهِ ع فَاسْتَقْبَلَنِی زُرَارَةُ- خَارِجاً مِنْ عِنْدِهِ فَقَالَ لِی أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع- یا وَلِیدُ أَ مَا تَعْجَبُ مِنْ زُرَارَةَ- سَأَلَنِی عَنْ أَعْمَالِ هَؤُلَاءِ أَی شَی‌ءٍ کانَ یرِیدُ أَ یرِیدُ أَنْ أَقُولَ لَهُ لَا فَیرْوِی ذَاک «6» عَلَی ثُمَّ قَالَ یا وَلِیدُ مَتَی کانَتِ الشِّیعَةُ- تَسْأَلُ عَنْ أَعْمَالِهِمْ إِنَّمَا کانَتِ الشِّیعَةُ تَقُولُ یؤْکلُ مِنْ طَعَامِهِمْ وَ یشْرَبُ مِنْ شَرَابِهِمْ وَ یسْتَظَلُّ بِظِلِّهِمْ مَتَی کانَتِ الشِّیعَةُ تَسْأَلُ عَنْ هَذَا.»[[1]](#footnote-1)**

اینکه امام (ع) می‌گوید زرارة سریعاً پیام ما را به همه می‌دهد. این تضعیف شخصیت نیست. به‌هرحال زرارة کسی بوده است که اهل سؤال و جواب بود، و امام (ع) منظورشان این بوده است که کار زرارة خلاف تقیه است.

آقای خویی، اکثر این روایات را ضعیف دانسته‌اند.

### 3. روایات دسته سوم

بعضی از روایات نیز وجود دارد که در این روایات آمده است که ما در مورد زرارة این حرف‌ها را زدیم تا منتسب به ما حساب نشود. امام (ع) می‌فرماید: ما مذمت‌هایی کردیم تا از ما فاصله بگیرد تا آزار نبیند.

### راه‌های رد تعارض روایات در مورد زرارة

تا اینجا دو مطلب را باید از هم تفکیک کنیم.

1. زرارة یک شخصیت تمام عیار است؟

2. از لحاظ نقل روایی فرد ثقه است یا خیر؟

مطلب بعدی این است که در ثقه بودن زرارة نمی‌توانیم تردید داشته باشیم. راه علاج این تعارضات به صورت زیر است:

1. روایات مدح ایشان، به‌قدری زیادی است که قطع را برای ما حاصل می‌کند. هر چیزی که در برابر قطع قرار بگیرد برای ما اعتباری ندارد.

2. وقتی این دو روایت را جمع می‌کنیم می‌بینیم که تمام این روایات ذامه، از روی تقیه است. شیعه در اقلیت بوده است. زیست اقلیت، قوانینی دارد. ائمه نیز برای حفظ شیعیان خود، شبکه‌ای داشته‌اند. این شبکه گاهی قوی‌تر و ضعیف‌تر می‌شد.

یکی از تدابیر تقیه‌ای این بوده است که فرد را مورد مذمت قرار می‌دادند تا شخص مورد آزار و اذیت قرار نگیرد.

3. روایات ذامه، از لحاظ سندی ضعیف هستند. آقای خویی (ره) نیز چنین فرموده‌اند. ولی روایات کمی وجود دارد که اعتبار دارد. در این روایات یقطینی آمده است که محل اختلاف است.

1. **- وسائل الشیعه، ج 17، ص 187.** [↑](#footnote-ref-1)